

# توفان

دوره سوم

ارگان سازمان رستاخیزی توفان

## ترازنامه حیات صد ماهه ماهنامه توفان

میتوان از تیراژ روزافزون ماهنامه دید. ماهنامه مادر آغاز با تیراژ کمی فعالیت خود را آغاز کرد ولی رفته رفته و بدون مبالغه میتوان گفت ماه به ماه بر تیراژ آن افزود بطوری که اکنون با تیراژ ارگان حزب تود مایران در بحبوحه قدرت آن در ایران برابری میکند.

این موفقیت ماهنامه توفان علی رغم تبلیغات سوء دشمنان و مخالفان بدست آمده است که با تمام قوا در پی اعتبار کردن آن کوشیده اند و میکوشند. ماهنامه ما آماج تیرهای زهرآلود و ماندگانی است که منافع و تنگ نظری گروهی خود را بر منافع طبقه کارگر و خلق های ایران رجحان می نهند. شکفت اینک که تبلیغات مخالفان علیه ماهنامه ما و سازمان ما نه مبارزهای رویاروی آن نه مبارزهای در سطح افکار و عقاید بلکه مبارزهای توطئه گرانه است. اینها به افراد بیخبر و ناوارد نزدیک میشوند و افسانه های علیه ماهنامه و سازمان توفان بکوش آنها میخوانند تا شاید بدین طریق از موفقیت ماهنامه و سازمان ما جلو گیرند. اما واقعیت روشن تراز آنست که با تبلیغات مغرضانه بتوان آنرا توطئه دیگر جلوه داد. توجه و علاقه به ماهنامه ما خود دلیل ناگامی تبلیغات مغرضانه مخالفان است.

موفقیت ماهنامه توفان از کجا سرچشمه میگردد؟ نخستین عامل موفقیت ماهنامه توفان خط مشی ما و لنینیسم آنست. خط مشی که با تکیه بر اصول و قوانین مارکسیسم - لنینیسم و بر اساس تحلیل مسائل با اسلوب بی- لگنیک ماتریالیستی بدست میاید و لذا به صحت آن میتوان اطمینان داشت. البته این هنوز به آن معنی نیست که مقالات ماهنامه توفان عاری از خطا و اشتباه است، ولی تجربه صد شماره ماهنامه توفان نشان میدهد که در مسائل مهم سیاسی اعم از داخلی یا بین المللی خط مشی ماهنامه هیچگاه از حقیقت دور نیافتاده است. خوانندگان در مسائل مختلف با خط مشی مدونی سروکار دارند که بدون انحراف و بی تزلزل ادامه یافته و جریان حوادث نیز صحت آن را با ثبات رسانید. دوسین عامل موفقیت ماهنامه توفان سبک بیان و شیوه برداشت مسائل مطرحه است. ماهنامه توفان طی مقالاتی که با بیانی روشن و با تکیه بر واقعیات مسائل بقیه در صفحه ۲

صد ماه از تولد ماهنامه توفان میگذرد. طی این مدت ماهنامه توفان با فعالیت خود در تمام زمینه های ایدئولوژیک سیاسی و سازمانی توانسته است توجه و علاقه جوانان را در خارج از کشور و قشر نسبتاً وسیعی را در درون کشور جلب کند. ماهنامه توفان که اکنون بزبانهای فرانسه و آلمانی ترجمه و پخش میشود جای خود را حتی در میان احزاب و سازمانهای انقلابی نیز باز کرده است. این توجه و علاقه خوانندگان را

### اعلامیه سازمان توفان خطاب به مردم ایران و سربازان و افسران اعزامی به ظفار

سربازان و افسران شرافتمند ایران

اکنون سه سال است که ارتش ایران تحت فرماندهی افسران انگلیسی و آمریکایی برای حفظ حکومت سلطان قابوس و امپریالیست های حامی وی صحنه را در آن میدانید. ماه سال است که ارتش ایران بفرمان شاه بفرستند ظفار، بر سر زنان و کودکان و مردم بیگناه ظفار آتش و آهن میبارد. کلبه های آنها را ویران میگردد، مزارع آنها را میسوزاند و نان و آب را از آنها میگیرد.

چه چیز شاه را بر آن میدانید که نقشه و تخریب خلق ظفار را بر عهده گیرد؟ آخر آزادی خلق ظفار هیچ خلقی را نهدید نمیکند، منافع هیچ خلقی را در خطر نمی اندازد. اما شاه آنقدر که خلقهای ایران را با دست پلیر و ریشدرنده استعمار نگاه داشته صریح اعلام میدارد که آزادی هیچ خلقی را در منطقه خلیج فارس تحمل نمیکند، بهیچ خلقی اجازه نمیدهد که برای برانداختن یوغ اسارت و بندگی بیاخیزد. بهیچ خلقی اجازه نمیدهد که با محور ترکی و مخخور به فقر و بیخانمانی خود پایان دهد. از این جهت است که میخواهد مشعل انقلاب توده های راکه خلق ظفار در منطقه خلیج فارس برافروخته است خاموش سازد و برای تامین این هدف ننگین سربازان و افسران ارتش ایران را به عمان و ظفار می فرستد و افسانه های در کوش آنها میخواند تا آنها را هر چه بیشتر به کشتار مردم ظفار برانگیزد.

سربازان و افسران شرافتمند

مردم سرزمین ظفار را بدستور شاه قتل عام نکنید، بیهوده خود را به کشتن ندید. جنگ شما جنگ ظالمانه است. شما بی مردمی میکنید که مانند خود شما نان در سفره ندانند، خانه ندارند، بیهوشند دارند، تمام داروندار آنها را منتهی بسلطان قابوس میبرند همانطور که منتهی بسلطان قابوس در اوردن پهلوی در اوردن شما و زحمتکشان کشور ما را میبرند.

سربازان و افسران شرافتمند

ارتش ایران بدستور شاه بزور یا با نیرنگ شمارا از کانون خوشبخت خانوادگی، از مهر زن و فرزند جدا میکند و بیاد غربت میفرستد تا مردم بیگناه را بکشید و کشته شوید. به افسانه های شاه و تبلیغاتچی های او گوش ندهید، آنها در باره خلق ما و شما دروغ میکنند، دروغ میگویند وقتی مردم ظفار را آتش میسوزاند و وحشی میخوانند. زحمتکشان ظفار مانند کارگران و دهقانان ایرانی برای آزادی خود از دست مخخوران داخلی و خارجی، برای نان، بهداشت، مسکن و سواد میکنند. این جنگ، جنگ عادلانه و مقدسی است، این همان جنگی است که باید علیه رژیم شاه برافروخته شود. زحمتکشان ظفار با کسائی سر جنگ دارند که دشمنان شما و همه زحمتکشان اند. اسلحه خود را بروی آنها نشانید، اسلحه خود را بروی کسانی بر کردانید که شما فرمان کشتار مردم بیگناه ظفار را میدهند. به جنگجویان ظفار میبوندید که علیه ظلم و جور سلطان قابوس و محمد رضا شاه میکنند. زحمتکشان ظفار برادران شما هستند، به آنها دست برداری ندهید.

هوطنان کرامی

شاه، این نوکر پست امپریالیسم آمریکا، چنانکه بارها اعتراف کرده، برای تامین منافع امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس، جگر کوشگان، شوهران و پدران شما را با زور به امارت نشین عمان میفرستد تا خلق ظفار را که برای رهایی خود بپایان رسانند سرکوب کند. هم اکنون عزیزان بسیاری از شما در جنگ ظفار زندگی خود را بر باد داده اند، هم اکنون خانواده های بسیاری در فرزندان، شوهران و پدران خود نشته اند، چه بسیار خانواده های از خلق ظفار که در برگ عزیزان خود اشک سوزند و چه بسیار خانواده های دیگری که در این جنگ ظالمانه سوگوار و داغدار خواهند شد. باید علیه این جنگ ظالمانه بپایان رسانید، باید صدای خود را برای بازگرداندن ارتش اعزامی از صحنه جنگ ظفار متحدا بلند کرد و نگاه داشت شاه که فرزندان سپهر مارا در درون کشور به کشتارگاه میفرستد، سرزمین ظفار را به قتلگاه سربازان و افسران ایرانی بدل کرداند. سکوت و تسلیم در برابر وضع کنونی بمعنی قربانی کردن فرزندان سپهر ما در پای منافع و مقاصد پلید امپریالیسم و شاه و دودمان پهلوی است.

مرک بر محمد رضا شاه و سلطان قابوس!

بیروز یاد جنگ توده های خلق ظفار!

استوار باد برادری خلق های ایران و ظفار!

## سوسیالیسم پیروز در آلبانی

به کمیته مرکزی حزب کار آلبانی  
رفقای عزیز

خلق آلبانی و در پیشاپیش آن طبقه کارگر سی و یکمین سالگرد جمهوری توده های آلبانی را با سرور و شادی، سر بلند از موفقیت های درخشانی که طی سی سال گذشته بدست آورده جشن میگیرد. اجازه بدید به این مناسبت بنام سازمان توفان و به نمایندگی از جانب طبقه کارگر و خلق های ایران این سالگرد را به آن رفقا، به طبقه کارگر و به همه خلق آلبانی شاد باشویم. در دنیا پرتلاطم کنونی شی و سیاست بی خدشه و تزلزل ناپذیر جمهوری توده های آلبانی، سیاست مبتنی بر مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، سیاست مبتنی بر مبارزه بیکیفر و قاطع علیه امپریالیسم و ارتجاع بویژه امپریالیسم آمریکا و سوسیالیسم شوروی، پشتیبانی بی دریغ از نیروها و خلق های انقلابی در مبارزه شان بخاطر آزادی و استقلال، احترام و اعتماد همه خلقهای جهان را برانگیخته است. شی و سیاست جمهوری توده های آلبانی در قبال مسائل بفرنج و پیچیده کنونی جهان، تجارب غنی و کرانه های آن رفقا در مبارزه با رویزونیسم نوین راهمائی احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست در مبارزه آنها با رویزونیسم در تمام اشکال آشکار و نهان آنست.

ما یقین داریم که خلق و طبقه کارگر آلبانی تحت رهبری خردمندان، حزب کار آلبانی و رفیق انور خوجه، مارکسیست - لنینیست بزرگ، سال آینده نیز مانند سالهای گذشته، در راه ساختمان سوسیالیسم به پیروزیهایی بازهم درخشانی ناکل خواهد آمد و ستاره سرخ سوسیالیسم در آسمان اروپا درخشندگی بازهم بیشتری خواهد یافت.

باسلامهای کمونیستی

سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان

۲۸ نوامبر ۱۹۷۵

## دروغگو همیشه رسوا است

سوسیال امپریالیسم شوروی و ستون پنجم آن رویزوی نیست های ایرانی که از دروغبرداری و تحریف حقایق باز نمیایستند پیوسته جمهوری توده های چین را متهم میسازند که به دو جنبش "فلا" و "اونیتا" کمک نظامی میبرند و جنگ داخلی آنکولا را دامن میزند. در واقع این سوسیالیسم شوروی است که بخاطر برقراری و توسعه نفوذ خود در آنکولا بجنگ داخلی دامن میزند و مستقیماً و غلی برای گروه "میلی" اسلحه و سرباز میفرستد. هم اکنون هزاران سرباز و افسر کوبا که وابستگی اقتصادی و سیاسی کشور آنها به شوروی بر همه کس معلوم است در آنکولا در کار "جنگ" را توسعه میدهند و رهبری میکنند. و آنگاه با این دم خروس به این آشکاری آنها به جمهوری توده های چین اتهام می بندند. ما در زیر بیانات نماینده جمهوری توده های چین را در جلسه رسمی سازمان ملل متحد میاوریم تا حقیقت از دروغ باز شناخته شود.

"چین از همان آغاز از جنبش آزادیبخش ملی آنکولا پشتیبانی کرده و میکند. برای پشتیبانی آنها در برابر استعمار پرتغال ما به هر سه جنبش آزادیبخش آنکولا کمک نظامی رسانیدیم. ما از اختلافات آنها اطلاع داشتیم و پیوسته به آنها توصیه میکردیم که در مبارزه علیه دشمن متحد شوند. پس از آنکه جنبش

آزادبخش آنکولا با پرتغال بر سر استقلال به توافق رسید ما دیگر بهیچیک از سازمانهای سه گانه آنکولا کمک نظامی نکردیم اینها همه واقعیت است و واقعیت بیشتر از تحریفات قانع کننده است. شایعات و دروغبرداری های اتحاد شوروی برای حمله بچین بهیچوجه نمیتواند مضمون واقعی موضوع را بپوشاند. اتحاد شوروی با این شایعات و دروغبرداری ها بیشتر خود را رسوا میکند. جنگ داخلی ای که شوروی در آنکولا دامن میزند عمل زشتی است اما در عین حال چیز خوبی نیز هست. چیز خوبی است از این جهت که بسنختمان نمونه شفافی واقعیتی آموزش میدهد. هر جنبش انقلابی ناگزیر از راه پرپیچ و خمی میگذرد. ما اعتقاد داریم که خلق آنکولا پس از ناکامیها و گمراهی ها متحد میشوند و با استواری در مبارزه با دشمن دوا بر قدرت بویژه سوسیالیسم شوروی بمقابله برمیخیزند و سرانجام آزادی و استقلال خود را بدست میآورند. مشکلات و قربانی های کنونی نه تنها سطح آگاهی سیاسی وی را بطور قابل ملاحظه ای بالا خواهد برد بلکه برای جنبش های نجات بخش ملت های تحت ستم همه جهان آموزش گرانبهائی خواهد بود.

اتهامات سوسیالیسم شوروی و دروغ سته کمیته مرکزی بر این واقعیت پرده نخواهد کشید.

هیچ ارتشی قادر نیست خلق ظفار را از نیل به آزادی و استقلال بازدارد!

ترازنامه... بقیه از صفحه ۱ و حوادث رانندگی و میگردد و از حدود موضوع مورد بحث فراتر نمیرود به کلی کوئی و پرکوشی نمی برد از دیدن ترتیب در هر مورد نظر خود را بنا خوانندگان در میان میکنند و بخواننده دید روشنی از تحلیل سازمان ما در مسائل مختلف میدهد بدون مبالغه و خود ستا باید به آن دوستانی که مجموعه مقالات توفان را پرمضمون و آموزنده می شمارند حق داد... مثلا از مجموعه مقالاتی که درباره کفدراسیون نگاشته شده میتوان به تعریف و خصوصیات سازما تودهای و نقش آن بطور کلی و سپس خصوصیات کفدراسیون بطور مشخص و نقش و اهمیت آن در شرایط حاضر آشنا شده و براین اساس سیاست سازمان ما را درقبال کفدراسیون درک کرد.

بلاخره سومین عامل موفقیت ما همان «توفان در نظم و ترتیب آن است». ماهنامه توفان همه ماه در روزهای اول هرما منتشر میشود و اشون پیش از هشت سال است که این نظم و ترتیب بدون وقفه ادامه دارد. از نیروهای ضد رژیم میخ تبریهای نیست که دارای چنین خصوصیتی باشد. در نتیجه خوانندگان ماهنامه توفان «مادت» کرده اند که منظمه همه ماهه شمارهها را خود را دریافت کنند و بر نظریات سازمان ما در مسائل روز وقوف یابند. نظم و ترتیب ما همان توفان افراد را به مطالعه علاقه مند میسازد و همین مطالعه منظم، بدون شك در برورش بسیاری از خوانندگان بی تاثیر نیست.

چنین است عوامل موفقیت ما همان توفان، موفقیتی که انکار آن در حکم انکار واقعیت است.

اکنون به بنیم ترازنامه ماهنامه توفان طی سالهای گذشته چگونه است؟ البته در یک مقاله نمیتوان درباره نقش ماهنامه توفان سخن راند و ما در این جا توجه خود را فقط به گوشه هایی از آن معطوف میداریم.

ماهنامه توفان در چه اوضاع و احوالی با عمره وجود نهاد؟ نخستین ماهنامه توفان در شرایطی انتشار یافت که روزیونیسیم ایم از راست یاجب جهان بینی طبقه کارگر را آورده کرده بود. بجز حزب کمونیست چین و حزب کارآلبانی که مانند صخرهای عظیم و شکست ناپذیر در برابر امواج روزیونیسیم ایستاده بودند و سرسخخانه بلان میزمیدند بجز گروه های کوچکی که اینجا و آنجا از روزیونیسیم بریده و در تلاش احیاء حزب طبقه کارگر بودند که بعضی از آنها هم با دست خود روزیونیسیم و بخاطر مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم بوجود آمدند در هر دو در همه جا تسلط داشت.

در مورد ایران و منحصرا در خارج از کشورهای آن جوانان عضو حزب توده ایران از این حزب که بعنوان زائد نمی اتحاد شوروی به روزیونیسیم پیوست جدا شدند و در سازمانها گرد آمدند. این جوانان با آنکه بعنوان مخالفین با روزیونیسیم از حزب توده بریدند ولی از روزیونیسیم درک صحیح و روشنی نداشتند، مارکسیسم - لنینیسم را نمی شناختند و بهمین جهت هم اکثر آنان از همان آغاز کاستریسم را بجای مارکسیسم - لنینیسم گرفتند. در ادم آن افتادند. از سوی دیگر سروز روزیونیسیم به مقیاس وسیع و با توجه به قدرت مادی و معنوی اتحاد شوروی که در رأس اردوی روزیونیسیم قرار داشت متیقن مطالعه و آموختن مارکسیسم - لنینیسم را در چارگماهی و سردر کمی کرده بود. ماهنامه توفان از همان نخستین شماره خود وظیفه شناساندن روزیونیسیم و مبارزه با آنرا و نیز اشاعه مارکسیسم - لنینیسم را در دستور کار خود گذاشت. اکثر گفته شود که ماهنامه توفان - در کار نشریات دیگر سازمان توفان - در شناساندن روزیونیسیم و اشاعه جهان بینی طبقه کارگر نقش بسیار ارزنده ای بازی کرده سختی بمبالغه نرفته است. ماهنامه توفان پرچم مبارزه با روزیونیسیم را این خطر عمده را هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس بین المللی برافراشت و هیچ گاه آنرا از گف فرونگداشت. مبارزه با روزیونیسیم کماکان به مثابه خطر عمده باقی است و مبارزه با آن باید همچنان ادامه یابد.

روز روزیونیسیم و بویژه دو اصل " همزیستی مساوت" و " گذار مساوت" انقلاب جوانان را به مطلق کردن راه مبارزه مسلح آنها در شکل منشی چریکی آن کشانید. ماهنامه توفان ناگزیر بمبارزه علیه کاستریسم پرداخت. امروز هستند کسانی یقینا که در ایران و یا در خارج از منشی چریکی روی گردانیده و به انتقاد از آن پرداخته اند. اما بد نیست یاد آوری شود که ماهنامه توفان از همان آغاز کاره منشی چریکی را مورد انتقاد

قرار داد و آنرا نادرست شمرد. ماهنامه توفان طی مقالات خود راه حنک تودهای را بمثابة یکانه راه صحیح مبارزه مسلح نشان داد و دفاع از آنرا نه تنها در برابر هواداران منشی چریکی و " تائین شورشی " بلکه در برابر " قیام مسلح " کمونیستهای آنرا مطلق میکردند و بعنوان یکانه راه قهرآمیز ارائه میدادند به عهده گرفت.

هواداران کاستریسم که حزب طبقه کارگر را مترادف با ضد انقلاب و روزیونیسیم میدانستند احیا حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران برای مبارزه ( البته مبارزه چریکی ) بیپرده می شمردند و آنرا به آینده نامعلومی موقول میکردند. ماهنامه توفان از ضرورت احیا حزب طبقه کارگر بمثابة وظیفه ای مبرم و فوری دفاع کرد و بالاخره هم توانست این حقیقت را بر روزهروگرداند روزیونیسیم در اتحاد شوروی تسلط کامل یافت و در نتیجه سوسیالیسم به سرمایه داری گرائید که خصلت امپریالیستی بخود گرفت و نمیتوانست نکیر. نشان دادن ماهیت نواستعمار اتحاد شوروی، کشوری پاکدشتهای سوسیالیستی و افتخارآمیز کارآسا نی نبود. ماهنامه توفان به اینکار همت گماشت و طی مقالاتی سرشت امپریالیستی شوروی را برملا ساخت. امروز کار امپریالیسم شوروی کم کم برسواخی می کشد و دولت ها و خلق ها کوهی بیشتر به خصلت امپریالیستی آن پی میبرند ولی ماهنامه توفان از سالها پیش بویژه بلا فاصله پس از اشغال چکوسلواکیسی بدست ارتش شوروی ماهیت امپریالیستی شوروی را دید و افشا کرد.

ماهنامه توفان ساختمان جامعه ایران و طبقات جامعه را در جریان " اصلاح ارضی " و " پیراز آن " تا آنجا که در توانا آن بود تشریح کرد، نیروهای محرکه انقلاب، ماهیت انقلاب و نقش طبقه کارگر در انقلاب را توصیف نمود. بودند و هستند کسانی که وجود بورژوازی ملی ضد امپریالیستی را در جامعه ایران نفی میکردند و میگفتند، بودند کسانی که فئودالیسم را حتی قبل از " اصلاح ارضی " انکار میکردند و شیوه تولید حاکم را در ایران شیوه تولید آسیای میمنه میبایانندند. ماهنامه توفان با تکیه بر واقعیات و قسرندهای خرده بورژوازی این هر دو نظر را بدرستی مردود دانست.

در زمینه سیاسی نقش ماهنامه توفان در مبارزه با امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی، در مبارزه با رژیم شاه این مخلوق امپریالیسم آمریکا کمتر از مبارزه ایدئولوژیک آن نیست. شاه ایران در عین وابستگی و خدمتگاری به امپریالیسم در عین اجرای سیاست آمریکای ایران و در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس میخواهد سیاست خود را مستقل و ملی جلوه دهد. از اینجهت پرواخی ندارد که با ربابان امپریالیست خود بدرستی سخن گوید و گاهی در جماع بین المللی مخالف رای امپریالیسم آمریکا رای بدهد. شاه ایران میخواهد علی رغم عقب ماندگی و فقر و بیخانمانی توده های مردم ایران را شوروی در حال پیشرفت سریع پسوی ترقی و تمدن و مردم آنرا مرفه بنمایاند از اینجهت او و نوکرانش دروغ میگویند برای شاخص های اقتصادی و اجتماعی ارقام افسانهای بهم میافزند. ماهنامه توفان با تکیه بر اسناد و مدارک وابستگی رژیم شاه را به امپریالیسم و بویژه به امپریالیسم آمریکا نشان داده است و نشان داده است که سیاست شاه اعم از داخلی یا خارجی نه مستقل است و نه ملی. نشان داده است که میهن ما نه تنها پسوی درهای " تمدن بزرگ " نمیرود بلکه سال به سال عقب ماندگی نسبی آن افزایش مییابد و شکاف میان ایران و کشورهای بزرگ صنعتی دامنه و عمق بیشتری میگیرد. نشان داده است که مرد میهن ما بر خلاف ادعای شاه و نوکرانش از همه چیز محروم است محروم بمعنی واقعی کلمه.

ماهنامه توفان برای نخستین بار ماهیت اقدامات نواستعماری شاه را که با الهام از امپریالیسم آمریکا انجام گرفته برملا ساخت و نشان داد که چگونه این " انقلابات " شاهاندر خدمت امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا است. چگونه پارک از این " انقلابات " در خدمت کنترل توده های انقلابی است برای آنکه محیط " امن " و " بی ثباتی " برای غارتگران داخلی و خارجی فراهم آورد.

علیرغم تفوق امپریالیسم آمریکا، شوروی و ستون پنجم آن خطر بزرگی برای آزادی و استقلال میهن ما است. ماهنامه توفان بدرستی این خطرا دید و در صفحات خود نفوذ فزاینده

شوروی را در ایران و نقش ستون پنجم آنرا منعکس ساخته و به همگان هشدار داده است.

مسائل حیات مبارزه کارگران، هفتان و دانشجویان و تودسرد پهنای بهبود شرایط زندگی، بخاطر آزادیهای دموکراتیک، ماهنامه توفان بیدریغ از مبارزات و منافع توده های مردم پشتیبانی کرده و از فرزندان او که بخاطر آزادی و استقلال فرزندان افتاد میباشد رسیدمانند دفاع و تجلیل کرده است.

برای اینکه مبارزه با رژیم شاه و پشتیبانی از مبارزات توده ها مردم از پراکندگی بدر آید و شمره بیشتری به آرزورد، ماهنامه توفان بارها و ماسافانه بی نتیجه آید و وحدت و همکاری را به پیش کشیده و همه سازمانها و نیروها را به مبارزه مشترک در برآ برنامه مشترک فراخوانده است.

بدیهی است که ماهنامه توفان وظیفه انتزاعیونالیستی خود را هرگز از یاد نبرده و از پشتیبانی از جنبش های آزادی بخش که برای رهایی خلق ها از یوغ امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت میزمند غافل نمانده است.

ماهنامه توفان در تاریخ جنبش مارکسیست - لنینیست ایران از هم اکنون صفحاتی را بخود اختصاص داده است. نمیتوان از جنبش مارکسیست - لنینیست ایران سخن بنیان آورد بدون آنکه ماهنامه توفان و سازمان توفان را از یاد برد.

چنین است گوشه هایی از ترازنامه صد شماره ماهنامه توفان که با مراعات اکید پنهان کاری همراه منظم منتشر و پخش شده اند. امروز دیگر روشن است که سازمان امنیت، سازمان توفان را هدف گرفته است و همواره در پی آنست که هرچه بتواند از سازمان ما اطلاعات بیشتری بدست آورد و حتی الامکان ضراب سنگینی بر آن وارد سازد. این دشمنی سازمان امنیت با سازمان توفان نشانه موفقیت های سازمان ما در کلیه زمینه ها است. موفقیت ماهنامه توفان مدیون کار و کوشش رفقای است که آنرا آماده میکنند و بچاپ می رسانند و پخش آنرا برعهده میگیرند. انتشار ماهنامه توفان و پخش آن همراه مستلزم مخارج سنگینی است. این مخارج سنگین را رفقای سازمانی که واقعا نمونه های فدائو کاری و از خود گذشتگی اند تا مین میکنند. ساز ما در همه زمینه ها و از آنجمله در زمینه مالی بر نیروی خود متکی است. رفقا گاهی از ذخیره خود، از هزینه زندگی خود میزنند برای آنکه مخارج ماهنامه تا مین گردد. بدیهی است ما در اینجا هواداران و خوانندگان توفان را که با کمکهای مال خود به ادامه انتشار توفان پاری می رسانند از یاد نمی بریم. واقعیت اینست که ماهنامه توفان در رزد توده ها قدر و منزلتی کسب کرده است. ماهنامه توفان باید در آینده بکوشد تکیه گاه خود را در توده ها توسعه بخشد و از این طریق نقش خود را بمثابة ارکان سازمان طبقه کارگر باز هم بهتر و برجستتر ایفا کند.

توفان و کفدراسیون... بقیه از صفحه ۳ ولی آن نیروی تعیین کننده ای که میتواند تمام انشعابگران راناکام گرداند و کفدراسیون را با خط منشی سنتی و دستاوردهای درخشان آن هم - چنان پابرجا نگاهدارد، توده دانشجویان است. اگر توده دانشجویان برای تجدید حیات کفدراسیون و حفظ و صیانت سازمان خود به تلاش برخیزند رستاخیز کفدراسیون حتمی است.

کفدراسیون و توفان... بقیه از صفحه ۳ ولی آن نیروی تعیین کننده ای که میتواند تمام انشعابگران راناکام گرداند و کفدراسیون را با خط منشی سنتی و دستاوردهای درخشان آن هم - چنان پابرجا نگاهدارد، توده دانشجویان است. اگر توده دانشجویان برای تجدید حیات کفدراسیون و حفظ و صیانت سازمان خود به تلاش برخیزند رستاخیز کفدراسیون حتمی است.

توفان و کفدراسیون... بقیه از صفحه ۳ ولی آن نیروی تعیین کننده ای که میتواند تمام انشعابگران راناکام گرداند و کفدراسیون را با خط منشی سنتی و دستاوردهای درخشان آن هم - چنان پابرجا نگاهدارد، توده دانشجویان است. اگر توده دانشجویان برای تجدید حیات کفدراسیون و حفظ و صیانت سازمان خود به تلاش برخیزند رستاخیز کفدراسیون حتمی است.

توفان واحیا... بقیما ز صفحه ۴

باتوجه بوضع ایران کارآسان و زودرسی نیست، ولی دشواری کار طولانی بودن آن سازمان ما را از راه صحیح بدین سویر، تنها با ایجاد چنین

میتوانند به بهترین و موثرترین وجه به تحقق درآیند که همیشه نیروهای ضد رژیم مشی سیاسی کفدراسیون را به پند و اندیشه این وحدت نظر رضی سیاسی، به توده دانشجوگسترش یابد، فعالیت بیگانه جویانه کفدراسیون تقویت و تشدید شود. چنانچه این شرایط از نظر فروافتند مبارزه کفدراسیون اگر دستخوش تعطیل نگردد گرفتار فتنه و سستی نخواهد شد و کفدراسیون از ایفا نقش خود بطور کامل یا بطور موثر و شریکتر نتوان خواهد ماند. این نامه با عبارت زیر پایان میدهد: امید است با این توضیحات و پیشنهادات توانسته باشیم به روشن شدن پارهای مسائل و حل آنها به رفع بحران رضی کفدراسیون کمک کرده باشیم. ما امید داریم به اتفاق همه عناصر و نیروها و سازمانهای انقلابی و مترقی بر بحران کنونی کفدراسیون فائق آئیم، وحدت کفدراسیون را بآن بازگردانیم، آنرا تقویت کنیم و گسترش دهیم تا این سازمان ارزنده بتواند مانند گذشته و درخشان تر از گذشته وظیفه خود را در قبال نهضت انقلابی خلق های ایران، در قبال مبارزات مردم ایران علیه رژیم مغفور و ننگین کنونی بخاطر نیل به آزادی و استقلال ایفا کند. ارواح پاک شهیدان چنین امر والایی را از ما مطالبند.

یک نظریه و لوسطی به مقالات ماهنامه توفان از آغاز انتشار تاکنون بوضوح نشان میدهد که نظر سازمان ما راهمیت نقش کفدراسیون، مشی سیاسی آن، گسترش و تقویت آن بهیچوجه تغییر نکرده است. علی رغم این حقیقت مسلم "جبهه ملی" به

بهبان اینکه مشی سیاسی سنتی کفدراسیون آنگونه که سابقاً میدانیم گویا "ناروشن" است، برای رفع مسئولیت جوابی بنامه ما در این کار خود رفت و از هرگونه بحث امتناع ورزید. بدین سان گوشش ما برای بازگردانیدن "جبهه ملی" به نتیجهای نیانجا سازمان مادر نامه دیگری به سازمانهای دیگر چنین نوشت: "انشعاب تشکیلاتی که بر اساس مشی سیاسی سازش با سیاست غارتگرانه و ضد خلقی اتحاد شوروی سازش با اردو است، کمیته مرکزی و امکان دادن شرکت و فعالیت آنها در کفدراسیون و بالاخره بر اساس مبارزه علیه جمهوری توده های چین صورت گرفته سریعاً توسعه مینماید و بدینسانت با این خط راست که چیزی جز سازش با دشمن خلق و سود دشمن خلق نیست نمیتوان موافقت داشت سازمان ما از همان آغاز مشی راست را با قاطعیت و شدت محکوم کرده است. موضع ما اصولی است و در آن هیچگونه سلبی برای ما امکان پذیر نیست."

نامه سپس چنین ادامه مینماید: "سازمانها و عناصر مترقی، باید به اتفاق و یکپارچه در برابر انشعاب و در واقع در برابر انحلال کفدراسیون بایستند و کفدراسیون را از دستبرد انشعاب و خط راست آنانگصون دارند. مقابله با انشعاب و حفظ وحدت کفدراسیون اکنون به وظیفه مبرم و عمده تبدیل شده است که باید متفقاً به انجام آن پرداخت."

نامه با این عبارات خاتمه می پذیرد: "ما یقین داریم که سازمانهای مانه تنها میتوانند در برابر انشعاب بایستند و آنرا با ناکامی مواجه گردانند بلکه قادرند سنت های درخشان گذشته کفدراسیون را درآینده همچنان ادامه دهند. اتفاق و وحدت ما بدون شك با پیروزی قرین خواهد بود."

نتیجه همه تلاش های سازمان ما که البته به نوشتن نامه محدود نیست در برابر دیدگان همگان است. سازمان ما برای حفظ کفدراسیون آنچه در قوه داشت به فعل درآورد و وظیفه خود را برای رفع بحران کفدراسیون و بازگردانیدن وحدت آنجا داد و اگر سعی اثر به نتیجه نرسید گناه از سازمان ما نیست.

آیا این ناکامی به این معنی است که باید امید حیات و وحدت کفدراسیون را از سر برد کرد؟ جواب این سؤال منفی است باید مساعی خود را ادامه داد. بقیه در صفحه ۲

ویراکنده پرداخت. البته ایجاد چنین هسته های سازمان ما را از راه صحیح بدین سویر، تنها با ایجاد چنین سازمانهایی است که میتوان با احیا، حزب طبقه کارگر در عرصه ایران تحقق بخشید.

سازمان ما بر آن بود (و هست) که فعالیت بخاطر ایجاد هسته های سازمانی باید در شهر صورت گیرد و توجه خاصی به کار در میان کارگر میدول گردد. کارگران میهن ما با توجه به سنت دیرینه "مبارزه طبقه کارگر و قابلیت تشکیک آنها، بدوون شك برای مبارزه" متشکل اعم از اقتصاد سیاسی آماده گردید. اما توجه به کارگران معنی آن نیست که اگر امکاناتی برای فعالیت در روستا پیدا آمد از استفاده از آنها احتراز جست و هرگز این نظر را نباید از یاد برد که سرانجام مرکز فعالیت باید در روستا منتقل گردد. توجه به کارگران نیز نباید ما را از جلب روشنفکران انقلابی دور کرد. این هسته ها میبایست که بر اثر گسترش (اما محدود) این هسته ها تشکیک میشوند، از این آگاهی سیاسی به توده ها، از مبارزات توده ها در عرصه های مبارزات برکنار نمانند. انجام این وظیفه مستلزم مراعات اصل تلفیق کار و خلقی وطنی در روستا و یکی این رهنمودها بطور اجمال چنین آمده است: "احیا" حزب طبقه کارگر در عرصه ایران بر سه "کمیته پیش طولانی خواهد پیوست که از ایجاد هسته ها و سازمانها در نقاط مختلف کشور آغاز میگردد، هسته ها و سازمانهایی که با توده های پیوسته خواهند یافت و مبارزه آنها را رهبری خواهند کرد. حزب طبقه کارگر از این هسته ها و سازمانها بیرون میآید. "طبقه کارگر و احیا" حزب نقش اساسی بازی میکند از این جهت باید برای کار در میان کارگران و جلب آنان به مبارزه انقلابی اولویت قائل شد ولی هرگز نباید فراموش کرد که همانان نیروی عمده انقلاب اند و بدون اتحاد طبقه کارگر با آنها پیروزی انقلاب امکان پذیر نیست. نباید فراموش کرد که مرکز فعالیت انقلابی حزب باید از شهر روستا به انتقال یابد. چنین است رهنمودهای سازمان ما برای احیا، حزب طبقه کارگر ایران. راصحیح احیا، حزب طبقه کارگر همین است و لولانکه برای پیوستن آن سالها تلاش و کوشش لازم آید، ولولانکه زمان احیا، حزب را نتوان در قیقا از پیش تعیین کرد. سازمان مادر گذشته "سازمان انقلابی حزب توده ایران" و "سازمان انقلابی کومونیست" را بد رستی مورد انتقاد قرار میداد که احیا، حزب را بآینده نامعلومی موکل میسازند و باراهی که برگزیده اند در واقع حزب و نقش حزب را منتفی میکنند. راهی که آنها برای احیا، حزب ارائه میدادند، بیراهه بود، بن بست بود و تنها به احیا، حزب نی انجامید، مبارزه را نیز به شکست می کشانید. ولی در صورتی که امر احیا، حزب مسیر صحیحی بپیامد مسئله زمان مطرح نیست و نمیتواند باشد باید این مسیر را پیوسته تا به احیا، حزب دست یافت.

ویدایش بحران در درون کفدراسیون همان

"جبهه ملی" بارویزیونیست ها، این دشمنان کفدراسیون همان کسانی که کفدراسیون بارها داغ ننگ در شمی یا کفدراسیون را بر پیشانی آنها کوبیده بود، از در سازش درآمد، به تجلیل از اعضای "کمیته مرکزی" پرداخته و اواد شرکت کسانی در کفدراسیون گردید که با آن سرخصومت داشتند و اندیشه انحلال آنرا در سر می پروراندند؛ با سیاست ضد انقلابی و ضد خلقی شوروی راه معاشات در پیش گرفت و بالاخره هم به پیشواز نیت سوم رویزیونیست هارفت و کفدراسیون را به انشعاب کشانید انشعاب سازمانی "جبهه ملی" از کفدراسیون، فرجام ناگزیر انشعاب از خط مشی سیاسی رزنده آن بود. بدین ترتیب وحدت کفدراسیون برهم خورد و بحرانی در کفدراسیون پدید آمد که نتایج تاسف آوری آن در برابر ما است.

چه چیز رهبران "جبهه ملی" را بران داشت که چنین خطای ناخوشوینی دست زنند؟ آیا تجلیل از اعضای "کمیته مرکزی" و تجدید نظر در روش نسبت به سیاست نواستعماری شوروی در آرای آنچنان اهمیتی بود که بخاطر آن میبایست کسار کفدراسیون را با انشعاب و انحلال کشانید؟ آیا اعضای ساده "جبهه ملی" بالاخره نمیخواهند به "سر" این خطا واقف گردند؟ باری به برکت "زبان مشترک" سبوی شکسته بود میبایست بر آن چاره ای اندیشید تا شاید آب رفته را بجوی بازگردانید. سازمان ما با اعتقاد عمیق به نقش کفدراسیون بر آن شد که هر آنچه در قوه ارد برای جلوگیری از اراکدی کفدراسیون بکاراندازد و برای مینا کوشید با همه سازمانهای سیاسی به بحث و چاره جویی بنشیند.

در روز اکرانی که در تاریخ ۲۵/۳/۷۵ با نامیاندگان "جبهه ملی" صورت گرفت سازمان ما بر آن بود که کفدراسیون باید خط رزنده سنتی خود را همچنان دنبال کند، دشمنان خلق های ایران را از هر سو که باشد از رژیم شاه، این مولود امپریالیسم آمریکا گرفته تا اردو است، کمیته مرکزی و اربابان شوروی آن همانند گذشته افشا کند و با آنها به مبارزه برخیزد، از مبارزات خلقهای ایران و خلقهای انقلابی جهان، از زندانیان سیاسی مانند گذشته دفاع کند. سازمان ما هیچ چیز جز مشی سنتی کفدراسیون نمیخواست و آنرا سپس طی نامه ای همراه با راه حل های مشخص برای یک سلسله مشکلات که در نتیجه انحراف رهبری کفدراسیون از مشی سنتی بروز کرده بود در اختیار نمایندگان "جبهه ملی" گذاشت. در این نامه پس از تذکراتی امر که وحدت کفدراسیون در ادامه مشی سیاسی سنتی گذشته است، مشی سیاسی که تمام نیروها و سازمانها بر روی آن اتفاق نظر داشته اند و طی سالها مبارزه صحت و تاثیر آن به ثبوت رسیده است، پس از شمارش وظائف این مشی سنتی اینطور آمد: است؛ نگاهي ولو سطحی بوظائف فوق نشان میدهد که کفدراسیون چه آرمانهای والایی در برابر خود دارد و به انجام چه وظائف خطیری میتواند دست یابد. این وظائف در شرایطی

توفان و... بقیما ز صفحه ۴ در این صورت چگونه میتوان از کفدراسیون که نقش چنین ارزنده بازی میکند پشتیبانی نکرد؟ چگونه میتوان از تقویت و گسترش آن باز ایستاد؟

اینست آنچه که سازمان ما و ماهنامه توفان را بسحق و بد رستی بد فاع و پشتیبانی از کفدراسیون میکشاند. از دست رفتن کفدراسیون خلقهای ایران را از صدای رسائی کفدراسیون طنین می افکند محروم میسازد، دست شاه و رژیم او را در جنایات خود، در اعمال سیاه خود بیشتر از میگذاشت و چنانچه فجاج آن هم از انظار پنهان نمی ماند لاف با این دانه در معرض افکار عمومی قرار نمیگرفت.

تنها دشمنان خلق ایران با کفدراسیون خصومت میورزیدند و میورزند. شاه و سازمان امنیت از یکسو که کفدراسیون مانند خاری در چشم آنها فرو میبرد. آنها برای برانداختن کفدراسیون انواع و اقسام توطئه چیدند، به نیرنگهای گوناگونی توسل جستند ولی هیچیک از نتایج آنها موثر نیفتاد. رویزیونیست های ایرانی از سوری دیگر که میخواهند کفدراسیون را به زنده های از سیاست ضد انقلابی خود و اربابان خود مبدل گردانند. اینها نیز برای بی اعتبار کردن کفدراسیون و انحلال آن از هیچ کوششی، از هیچ اقدامی فرونگد داشتند، اینها با ایراد اتهامات ناروای خود بسسه کفدراسیون سند غیر قانونی کردن کفدراسیون را بدست فرسیوسپهر تازمانی که کفدراسیون میزیست و میزیستند دشمنان از نیات پلید خود دست برنداشتند با آنها در مرکز کفدراسیون همرازی و هم داستان بودند.

سازمان ما و ماهنامه توفان در سانس رژیم شاه و سازمان امنیت را علیه کفدراسیون افشا کرد و با آنها شدیدا به مبارزه برخاست. انگیزه های دشمنی رویزیونیست های ایرانی را با کفدراسیون بر ملا ساخت و همراهمبارزه با آنها فراخواند. "سازمان ما بر آنست که همه سازمانهای سیاسی هوادار کفدراسیون باید متفقاً بصیانت کفدراسیون همت گمارند. همکاری فکری و عملی همفکری سازمانها کفدراسیون را در مبارزه اش بخاطر مقابله با توطئه سازمان امنیت از پشتیبانی نیرومند تری برخوردار خواهد ساخت. سازمان ما آماده گردید خود را برای هرگونه همکاری فکری و عملی اعلام میدارد و امیدوار است که این ندای وی و این آمادگی وی کفقط از اعتقاد عمیق به نقش کفدراسیون نشانیگیرد، در سازمانهای سیاسی هوادار کفدراسیون انعکاس مساعد و مظلومی نباشد" (توفان شماره ۶۹ متاسفانه تدای سازمان ما ۳ انعکاس مساعد و مطلوب)

نبخشید. تحریکات و توطئه های سازمان امنیت و رویزیونیست ها ادامه یافت سرانجام آنچه که خواب و خیال مینمود به تحقق پیوست. رویزیونیست ها در تلاش و تکیه بخاطر انحلال کفدراسیون در حلقه ضعیف چنگ انداختند. آنها بدنیال سالها کوشش در جلب رهبران "جبهه ملی" بالاخره توانستند اینس جبهه را در اردوی "نیروهای انقلابی" جای دهند و با آن زبان مشترک بیايند. یافتن زبان مشترک "جبهه ملی" همان بود

عنوان مکاتبات  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY  
حساب بانکی  
X.DR.GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/11  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO/ITALY

# احیاء حزب طبقه کارگر در ایران نخستین و فوری ترین وظیفه پویندگان راه طبقه کارگر است

## توفان و احیاء حزب طبقه کارگرایان

انقلاب پدیدهای بسیار غرنج و بیجید است، از هزاران بیج و خوف از زوشیب میگردد، با مشکلات و موانع همدمی بسیاری و روبرو میشود. برای گذشتن از این بیج و خمها، از این مشکلات و موانع باید ستاد وجود داشته باشد که تعیین دیر کشیهای سیاسی و نظامی را برعهده بگیرد. این ستاد همان حزب انقلابی طبقه کارگراست. بدو چنین ستادی امکان ادامه انقلاب و پیروزی آن نیست. این قانون کلی است (توفان شماره ۶) از اینرو

"نخستین و فوری ترین وظیفه مارکسیست - لنینیست ها احیاء سازمان سیاسی طبقه کارگر در صحنه ایران است، در غیر این صورت طبقه کارگرایان بدو و پیشاهنگ و راهنما میماند و قادر به ایفای نقش تاریخی خود نخواهد بود." (توفان شماره ۴ وظایف و فوری مارکسیست - لنینیست های ایران)

چنانکه از دستخراجات فوق بید است سازمان ما از همان آغاز تاسیس خود وظیفه احیاء حزب طبقه کارگر را در عرصه ایران حزبی که مبارزات توده ها را در شرایط دشوار کنونی تمرکز بخشد، توسعه دهد و رهبری کند "نخستین و فوری ترین وظیفه" و در سرلوحه وظایف خود قرار داد و اکنون نیز همچنان در سرلوحه وظایف سازمان باقی است.

اندهیشه احیاء حزب طبقه کارگر در عرصه ایران بصا به فوری ترین وظیفه امروز بعنوان امری بدیهی مورد قبول است. امروز همه کس درک میکند که فتنه ان حزب طبقه کارگر بزرگترین عامل پراگندگی و خود رویی است، عامل جبرکی نیروهای سیاسی سازمان امنیت و پلیس بر مبارزان انقلابی و مبارزات توده ها است. امروز این نکته بسیار مهم آنچنان در مان همان رسوخ کرده که در صحت آن دیر کوه جگر ترین تردید باقی نیست. اما در و رانی کس سازمان ما وظیفه احیاء حزب طبقه کارگر را بصا به نخستین و فوری ترین وظیفه در بر خود گذاشت و صراحتاً عنوان نمود. آنچه در صفوف نیروهای "چپ" حاکم بود "آوانتوریسم" و "کاستریسم" بود که نتیجه مستقیم خیانت رویونیستها به طبقه کارگرایان، نتیجه مستقیم "نظری" های "راه مسالمت آمیز انقلاب" و "همزستی مسالمت آمیز" خروشنجی بود. عکس العمل عناصر رویونیستهای "چپ" در برابر این "نظری" ها بصورت "کاستریسم" و "آوانتوریسم" درآمد.

کاستریسم را میتوان در دو نکته زیر خلاصه کرد:

نخست اینکه "انقلاب پایان مبارزه مسلحانه است و مبارزه مسلحانه نمیتواند پدید آید و گسترش یابد مگر از بعد از گمان شورشی" گروه کوچکی از روشنفکران است که تسلح بحدست میگردد و در منطقه ای کوچک و متحرک و نشدت مخفی برقرار میکند و سپس با عملیات مسلحانه بعد هفتان اطراف میفهماند که باید مبارزه مسلح در ست زد. در هفتان هر چند ریح باین مبارزه می پیوندد و سرانجام از آن یک ارتش آزاد بیخبر بیرون میآید. بدین ترتیب برای کاستریسم مسئله سیاسی بد نبال عمل نظامی مطرح میشود. اما توده های دهقان و کارگر چگونه مبارزه مسلح میشوند در حالی که گمان از آنها جدا است؟ یگانة تحلیل مشکلات تبلیغات مبارزه مسلح است. عمل نظامی کویا میتواند خود بخود در راهائی تاثیر عمیق سیاسی ببخشد و آنها آگاهی سیاسی بد دهد. "توده ها را نمیتواند تبلیغ سیاسی صرف مبارزه کشانند" (۰۰۰) درین بستنی گفتودها در برابر آن قرار اردند تنها عمل مسلحانه نمیتواند شکاف وارد آورد ("احمد زاده). بنابراین آنچه در کاستریسم برجسته میشود مسئله نظامی است و تبلیغات مسلح است. مسئله سیاسی یعنی تفهیم لزوم مبارزه و پیروزی مبارزه مسلح در برابر میماند. کاستریسم بر آنست که باید از قانون نظامی به جنبش سیاسی رفت و در حالیکه مارکسیسم - لنینیسم او نشسته و دینامیزد که مسئله جنگ انقلابی قبل از هر چیز مسئله سیاسی است و مسئله جنگ انقلابی در وهله اول نظامی نیست بلکه قبل از هر چیز سیاسی است.

چنین است "نظری" گمان شورشی که انقلاب کوباد رسالهای اول در ده نصت با وسعت و دامن گشایی در روشنفکران رسوخ داد و به پیروی از آن کشانند، کتاب روی و بده "انقلاب در انقلاب" بصا به "نظری" کاستریسمیک نسل از روشنفکران را بره کج سوق داد. روشنفکران ایرانی نیز از این کمرای صون نمانندند. روی و بده بعد از عمل خود اظهارند امت کرد ولی بشیمانی راجه حاصل.

دوم اینکه برای مبارزه مسلح و جنگ توده های نیازی به حزب طبقه کارگریست. حزب انقلابی از جنگ توده های زاید میشود. یکی از شیفتگان کاستریسم که گویا بعد از آن روی کرد انید هاست در همان موقعی نامه ای به ما هنامه توفان چنین نوشت: "در برخی از شرایط، در شرایط خفتان و در شرایطی که احزاب رویونیست و بیورونیست (خصوصاً در آمریکا لا نین) اهمیت حزب و فعالیت حزبی را در نظر نبرد پس ارزش کرده اند، وجود آوردن حزب انقلابی کار آسان بود رستی نیست" (۰۰۰) اگر دسته جریک بتواند با حرکت انقلابی خود توده ها را بسیج کرده بده انقلاب اجتماعی دست زنده و سپس در مرحله ای از انقلاب حزب خود را بوجود آورد "این حکم که برای انقلاب کردن باید حزب انقلابی وجود داشته باشد ناشی از کماتیسم است. بنحس این آید در مصوبات کفراندر و م "سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور" چشم می خورد. در این مصوبات چنین میآید که "برای احیاء حزب طبقه کارگر باید مبارزه مسلح در مقیاس تمام کشور گسترش یابد لا اقل یک پایگاه انقلابی در کشور بوجود آید آنگاه میتوان مد اکثرات را برای تشکیل کنگره شروع کرد و حزب طبقه کارگر را احیاء کرد. این شیوه برخورد با احیاء حزب و رانطباق کامل با این اصل کاستریسم است که میگوید: "ارتش توده های باید هسته حزب باشد و نه بالعکس".

بدین ترتیب در کاستریسم تنها مبارزه مسلح و تبلیغاً نظامی بر مبارزه سیاسی مقدم است بلکه مبارزه مسلح در مقیاس تمام کشور و تشکیل پایگاههای انقلابی بر احیاء حزب پیشی میگیرد.

خیانت رویونیستها به طبقه کارگرایان یگانة عمل گرايش به کاستریسم نبود. فشار و اختناق رژیم شاه و فعالیت جنايتکارانه سازمان امنیت نیز در این گرايش سه جزائی داشت. در نامه فوق به ما هنامه توفان بروشنی گفته میشود که "در شرایط خفتان... بوجود آوردن حزب انقلابی کار آسان بود رستی نیست" ولد ا کار را باید از مبارزه جریکی آغاز کرد. البته در شرایط فشار و خفتان، در شرایطی که سازمان امنیت بد رنفاق و عدم اعتدای می پراکنده در شرایطی که عناصر رویونیستهای انقلابی باید ازه کافی برای یافتن شیوه های مقابله و طرق مبارزه با دشمن آماده کی فکری و عملی کافی ندرند و امکانات آنان نیز بسیار محدود است، کار احیاء حزب طبقه کارگر دشوار است و طولانی است. بدو ندران قربانی همبسر نمیگرد تجربه چندین ساله سازمان ما و مبارزان استوار ثابت قد همراه طبقه کارگرایان شاهه صادق برای مد عا است. و همین دشواری امروز م آماده کی است که عناصر انقلابی را از طریق صحیح مبارزه منحرف میسازد و بره مبارزه جریکی می کشاند.

رفیق انقلابی احمد زاده و یاران او به علت دشواری وظیفه احیاء حزب، با آنکه در آغاز از اصلاح و ریش گرفتنند اما بزود یراه مبارزه جریکی را برگزیدند. "گروه رهبری رشد خود باین در راهی رسید: باید در ریی ایجاد حزب پرولتاریا بود و یاد ر تشکیل هسته مسلحانه در روستا و آقباز جنگ جریکی؟ گروه به ر حال این راه (یعنی جنگ جریکی) را رد کرد (۰۰۰) این اعتقاد فکر ماراد رجعت تشکیل حزب پرولتاریا تقویت میکرد. اما فشار و اختناق و عدم توانائی در یافتن طرق مقابله با این فشار، گروه را از راه مبارزه با خطر احیاء حزب باز داشت. از یک طرف مواجهمیشوسم باضریات و یورشهای بی در ر پلیسی گروه های کمونیستی و از طرف دیگر ارتباط بانوده ها چنان در دشوار نظر میرسد که واقعا حل آن از عهد و نیروهائی چون ما بعید مینماید. ولد ما میگوئیم نباید منتظر حزب شد باید دست مبارزه مسلحانه زد، خواهند گفت پسر حزب را چکار میکنند؟ میگوئیم مسئله حزب برای ما به شکل مشخصی ازگد در ربروسه مبارزه مطرح خواهد شد (۰۰۰) این مسئله اینک به شکل مشخص و کنگرت برای ما مطرح نیست اما اینک بگد از مبارزه مسلحانه آغاز شود ("احمد زاده)

سازمان ما کاستریسم را بدو و فرافکنده و اما مارکسیسم - لنینیسم و اندهیشه مائوتسده و نرابرگزید و از آن پسرها بیگیری آنراد نهال کرد. ساز ما باین اصل وفادار ماند که "بدو و حزب انقلابی، بدو و حزب کبیر اساس نظری مارکسیسم - لنینیسم و سیک انقلابی مارکسیستی - لنینیستی بنشاند هبانشد نمیتوان طبقه کارگرو توده های وسیع بر برابر برای علیه بر امیرالیسوسکهای زنجیریش رهبری کرد" (مائوتسده و ن)

بر این اساس سازمان ما از همان آغاز تاسیس تنها احیاء حزب طبقه کارگر را وظیفه عمد و خود شمرده بلکه برای انجام این وظیفه در سند ری رهنمود های مشخصی تدوین کرد. برای احیاء حزب طبقه کارگر در ایران باید بر اساس اصول گرا کند کی سازمانی و تمرکز رهبری بر اساس پنهان کاری آید و رجحان کیفیت بر کمیت در نقاط مختلف کشور به ایجاد هسته های سازمانی کوچک

## توفان و کفدراسیون

سازمان ما در فعالیت خود همواره بر این اصل تکیه زده است که هیچ پدیدهای بیج و خمها از جزایز ریجه منافع طبقه کارگرو خلق های ایران ننگرد. هرگونه منافع گروهی و تنگ نظری را بدو و فرافکنده منافع توده های خلق ستمشک و اسیرایران را در روجه اول اهمیت قرار دهد. برخورد ما به کفدراسیون همیشه بر این روش اصولی متکی بود میباید. روش ما زمان ما در مقابل کفدراسیون از هیچ مقصدی جز منافع توده ها انتشجویان و قاطبه خلق ایران سرچشمه نمیگرد" (توفان شماره ۴۰)

بشیمانی از کفدراسیون و دفاع از آن در برابر دشمنان تبلیغی بخاطر گسترش و تقویت کفدراسیون مبارزه با نقاط ضعف آن تحلیل از دستاوردهای آن، مبارزه با گرایش های ناسالم در درون آن وظیفه ای بود که سازمان ما و ما هنامه توفان در برابر خود گذاشت و هیچگاه از انجام آن باز نایستاد. نگاه می به شماره های گذشته ما هنامه توفان این حقیقت را بر همه کس معلوم میدارد. سازمان ما و ما هنامه توفان در شرایط دشوار زندگی کفدراسیون در شرایطی که سازمان امنیت و فرتیوا ترافیر قانونی اعلام داشتند در شرایطی که کشانی میخواهند کفدراسیون را بصورت سازمانی قابل قبول برای رژیم شاه در آورند، در شرایطی که دشمنان در ریی انجلا ل آن بودند و باران اتهام بر سر آن میبارانیدند، در همه این شرایط سازمان ما و ما هنامه توفان بخاطر حفظ خط مشی رزمنده و فعالیت شمر بخیر کفدراسیون بخاطر مصون داشتن آن از هرگونه دستبرد و در کنار کفدراسیون باقی ماند.

چرا سازمان ما و ما هنامه توفان پیوسته از کفدراسیون دفاع کرده است؟ اهمیت کفدراسیون بدو کجا است؟

کفدراسیون در آغاز زمانه هر سازمان توده ای بیشتر بخاطر دفاع از خواست ها و منافع صنفی توده ها انتشجویان وجود آمد ولی بر اثر شرایط حاکم در ایران بصورت مبارزات سیاسی مطالبات صنفی و راتحت الشعاع قرار ارد و کفدراسیون از یک سازمان توده ای صنفی بصورت یک سازمان توده ای سیاسی درآمد و به این صورت کفدراسیون آنچنان نقش برجسته ای بازی کرد که بزودی شهرت و اعتباری برای خود کسب کرد.

ما هنامه توفان نقش برجسته کفدراسیون را پیوسته در وظایف زیر پدید می بیند.

- ۱- مبارزه بیکر با امیرالیسم و بانقود روز افزون آن در ایران که هر روز بیشتر استقلال و آزادی ما را به بند میکشد "مبارزه با سیاست ضد انقلابی و ضد خلقی شوروی و بیزه در سطح ایران.
  - ۲- مبارزه با رژیم خیانت و جنایت و فساد شاه و مولود امیرالیسم آمریکا و مجری سیاست امیرالیسم در کیه زمینه ها بیزه امیرالیسم آمریکا.
  - ۳- دفاع از مبارزات خلق های ایران در تمام زمینه ها (۰۰۰) "دفاع از زندانیان سیاسی.
  - ۴- افشای عوام فریبی های شاه و دولت دست نشاندہ او که می کشند عقب ماندگی رژیم استبدادی فاشیستی را از نظر جهان بینی بیوشاند.
  - ۵- شناساندن سازمان امنیت ایران و جنایات روزمره آن، چیزی که شاه در اختفای آن اصرار میوزد.
  - ۶- پشتیبانی از مبارزات کلیه خلق هائی که علیه امیرالیسم و ارتجاع میوزند... (توفان شماره ۶۴)
- اهمیت این وظایف برکسی پوشیده نیست. کفدراسیون توانسته است در طول حیات خود این وظایف را بطور شایانی انجام دهد و از عهد و نقشی که داشته است بخوبی برآید. البته فعالیت کفدراسیون عاری از اشتباهات و نواقص نبوده است ولسو، آنچه که تعیین کند است جهت حرکت کفدراسیون است، جهات مثبت فعالیت است.

"آیا هیچ فرد ایرانی را از کارگرو دهقان گرفته تاروشنفسگر شرفی میتوان یافت که براین وظایف صده نگذارد؟ آیا هیچ سازمان ملی و موکراتیک کشور را میتوان یافت که براین وظایف توافق ندا باشد" (توفان همان شماره). بقیه در صفحه ۳